

بهای نوشتن را می پردازم

• زوال فرهنگ و فولکلور مضطربم می کند

گفت و گو با لیلا راهدار؛ نویسنده



رفاشمی

لیلا راهدار، تنها نویسنده زن ساکن کرمان است که به صورت حرفه‌ای نوشتن را دنبال می‌کند. او تا کنون دو کتاب منتشر کرده؛ یک مجموعه داستان با عنوان «جاده فرودگاه» که یکی دو سال قبل منتشر شد و دیگری هم یک رمان با عنوان «پری‌ماه» که اخیراً نشر نون از او منتشر نموده و پنجشنبه گذشته جلسه رونمایی آن در... برگزار شد. با او به مناسبت چاپ رمانش گفت‌وگو کرده‌ام.

می‌خواستید آن را برگزیدید؟

ببینید، چیزهایی که برای من مهم بوده و در رمان «پری‌ماه» پررنگ شده است، زبان یا لهجه نبوده و شما اگر کتاب را بخوانید متوجه می‌شوید که چند رباعی و ترانه‌ای هم که علی‌القاعده باید به زبان محلی بوده باشد، در کتاب به زبان فارسی نوشته شده. یعنی نگاهی که من به بومی نویسی داشته و دارم، بیشتر مبتنی بر نگاه مردم شناسی، جامعه‌شناسی و فرهنگ‌شناسی است که می‌کوشد آن جامعه را توضیح دهد، و برای همین سعی کردم رمان به زبان سلیس فارسی نوشته بشود. اما طوری نوشته بشود که نشان داده شود مردمی که از آنها می‌نویسم، چه فرهنگی دارند و قسه‌هایشان چیست، بوم‌شان چیست، و فولکلور و خرده فرهنگ‌ها و قسه‌های عامیانه‌شان کدام است و چه بوده است؟ از همین منظر است

من اعتقاد ندارم که مثلاً یک نویسنده‌ی خفن هستم و آنچه نوشته‌ام شاهکار است؛ مجموعه داستان قدم اول بوده و رمان قدم دوم و به ترتیب قدم‌های بعدی را هم باید برداشت، و مشخص هم نیست در کدام قدم اتفاق تاپ حاصل شود

تبدیل می‌کنی؟

به نظر من وقتی یک پیرزن قدیمی یک قصه را تعریف می‌کند، فقط همان قصه را تعریف می‌کند و وقتی قصه تمام شد، همه چیز تمام می‌شود و می‌رود بی‌کارش. اما من در رمان می‌خواهم بگویم که شخصیت‌های داستانی علاوه بر افسانه‌هایی که نقل می‌شود، مقهور سرنوشت خودشانند. درست مثل همان افسانه‌هایی که دارد در این رمان روایت می‌شود. در واقع شخصیت‌هایی مثل ماه پیشونی، مثل سنگ صبور از منظر معنایی و مفهومی با شخصیت‌های رمان، هم عرض حرکت می‌کنند. من در انتخاب افسانه‌ها هم افسانه‌هایی را انتخاب کردم که در سرتاسر ایران عمومیت بیشتری داشته باشند و اختصاصاً خاص زابل نباشند مثلاً سنگ صبور با شخصیت دختر راوی هم‌عرض و هم‌تقدیرند از این جهت که مقهور سرنوشتند یک نگاه ناتورالیستی بر هر دوی اینها حاکم است.

حالا اگر بخواهیم به شکل خاص‌تری به پری ماه پردازیم، می‌خواهیم از شما به عنوان نویسنده‌ی آن پرسیم: چرا ابتدای این رمان تداخل فضاها بیشتر و روایت پیچیده‌تر است، اما روایت داستان در در ادامه از آن فضاهای چندگانه فاصله می‌گیرد و روان‌تر و روان‌تر پیش می‌رود؟

من قبلاً دارم کششی که پری ماه از صفحه ۱۰ یا ۱۲ به بعد دارد، قبل از آن ندارد. یعنی کشش در این رمان با تأخیر است و مخاطب با تأخیر و کمی دیرتر وارد کشش داستان می‌شود اما به نظرم این تمهید لازم بوده چرا لازم بوده؟

می‌دانید که این شکل داستان گویی یعنی پیش بردن داستان شخصیت‌ها با اسطوره و افسانه خیلی سخت است و پیچیدگی‌هایی دارد. پس شاید برای اینکه خواننده را وارد این فضای سخت کنم و او را به ماندن در این فضا دعوت و مجاب کنم، به نظرم چند صفحه روایت پیچیده با فضای چند وجهی لازم بوده تا خواننده با جو و فضای کلی حاکم بر داستان آشنا شود و آماده‌ی درک پیچیدگی‌ها بشود اما در کل این نقد یا توصیف شما را قبول دارم. **خانم راهدار سرکار عالی، تا کنون ۲ اثر چاپ کرده‌اید، علاقه مندم بدانم چاپ این اثر چه بازخورد و بازتابی برای خود شما و**

کار شما داشته؟

راستش هنوز که بازتاب رمان را نگرفته‌ام. اما به طور کلی فکر می‌کنم یک نویسنده تا آثارش را چاپ نکند وارد مسیر حرفه‌ای و جدی ادبیات نمی‌شود. من اعتقاد ندارم که مثلاً یک نویسنده‌ی خفن هستم و آنچه نوشته‌ام شاهکار است؛ مجموعه داستان قدم اول بوده و رمان قدم دوم و به ترتیب قدم‌های بعدی را هم باید برداشت، و مشخص هم نیست در کدام قدم اتفاق تاپ حاصل شود، اما معتقدم تا آثار خود را چاپ نکنیم نمی‌توانیم بازخوردهای اجتماعی آن را ببینیم و خود را به عنوان یک نویسنده‌ی حرفه‌ای و جدی محک بزنیم. در کل فکر می‌کنم در بیشتر کارهایم تأثیر داشته، در شناساندن من به مردم به عنوان نویسنده تأثیر داشته و همینطور در آشنایی بیشتر من با نشر و بخش حرفه‌ای کتاب بسیار موثر بوده است و به تبع همدی اینها فکر می‌کنم آثار بعدی‌م را بهتر خواهم نوشت و آنها هم سرنوشتی بهتر خواهند داشت.

بعد از این بیشتر رمان خواهید نوشت یا داستان کوتاه؟

نمی‌دانم چه پاسخی بدهم. رمان یا داستان کوتاه؟! من چندتایی داستان کوتاه دارم اما شاید کتاب بعدی‌ام رمان باشد، شاید هم اصولاً فرقی ندارد و رمان یک داستان به هم پیوسته باشد.

لذت کدامیک بیشتر است؟

والله بستگی دارد، بعضی وقت‌ها نوشتن یک داستان کوتاه به نظرم خیلی جذاب است اما در کل از نوشتن رمان خوشنودتر هستم و لذت بیشتری می‌برم.

فکر می‌کنید دلپش چیست؟

چون یک نویسنده با رمان زندگی می‌کند، او در تمام مدت نوشتن با تک‌تک شخصیت‌ها و صحنه‌های آن زندگی می‌کند. من حدود ۴ سال با همین پری ماه درگیر بوده‌ام. هی می‌نوشتی و هی ابدی جدیدی به نظرم می‌رسید و خلاصه ۴ ماه با پری ماه زندگی کردم.

خیلی‌ها دوست دارند بدانند، نویسنده‌ی بر زندگی شما به عنوان یک زن چه تأثیری گذاشته؟

زندگی‌ام را داغون کرده (با خنده) اگرچه

امکان دارد یکی دو مورد را نام ببرید؟ شاید نتوانم به موردی اشاره کنم. اما همین که یک زن در مقایسه با همسایه مرد خود، جدی گرفته نشود، به او اجحاف می‌شود. یا اگر یک زن یک جلسه‌ای داشته باشد و بخواید در آن جلسه چیزی تدریس کند، آنوقت متوجه آن سلطه خواهد شد. البته این نگاه مردسالار تنها مربوط به کرمان نیست و به عنوان یک خصیصه‌ی فرهنگی بر سرتاسر کشور عزیزمان حکمفرما است مثلاً در سیستان و بلوچستان ما، فرهنگ مردسالاری خیلی بیشتر از کرمان سلطه دارد. **خانم راهدار اگر بگویید بعد از این دیگر نباید بنویسی، چه می‌کنید؟** کی بگه؟ (با خنده) **حالا هرکی زورش رسیده؟** خوب خیلی‌ها نخواهند که من بنویسم و موانع زیادی هم بوده اما من کار خودم را انجام داده‌ام. این تبختر را ندارم که فکر کنم کار خاصی کرده‌ام اما نوشتن برایم مهمترین چیز است و بهای آن را هم تا کنون پرداخته و بعد از این هم می‌پردازم.

در شهر خودمان غریبیم

گفت و گو با مصطفی سلطان، خواننده و ترانه‌سرا

مهرداد خرسند

شاخه خوانندگی، آنهم خوانندگی پاپ کلاسیک را دنبال کردید؟

به خاطر دارم روزگاری معلم هندسه ام اسباب اخراج مرا از مدرسه فراهم کرد نه به خاطر کشیدن تصویری نامتعارف منسوب به او بر تخته سیاه، یقیناً بواسطه زیاد آواز خواندن. ژنتیک به تنهایی نمیتواند صدای آوازی کسی را زلال و تمیز بار بیاورد بلکه در این مسیر آموزش و تربیت درست حنجره بسیار مهم است و نیاز به آموزش دارد. روی آوردن من به آواز پاپ و کلاسیک و حرکت در این مسیر هم به علاقه‌ی بی‌اندازه‌ی من به‌این سبک خواندن برمی‌گردد. البته هماهنگی نوع صدای من با این ژانر خوانندگی نیز مزید بر علت است. **برایم جالب است که شما ترانه‌سرای هم می‌کنید، چه شد به‌این حوزه ورود کردید؟** اگر بخوام صمیمانه به‌این سوال شما جواب بدهم باید بگویم که نظر متفی پدر نسبت به دوستی‌ها و ارتباطات خارج از چهارچوب تحصیلی، همچنین فاصله‌ی سنتی با برادران بزرگم و دنیای متفاوت خواهرانم عوامل مهمی در به‌انزوا کشاندن من بودند. تائین تنهایی را با کتاب‌هایم شریک شوم و با نوشتن قرار بایم.

دوست دارم بدانم از نظر شما آیا بین ترانه‌سرای و خوانندگی هیچ ارتباط فنی و حرفه‌ای وجود دارد؟

البته که هست، اگر به روند ساخت یک اثر موسیقایی کلام محور نگاهی بیندازید، می‌بینید که ابتدا شاعر و ترانه‌سرا کلام را می‌نویسند، سپس کلام توسط آهنگساز آهنگسازی می‌شود، بعد از آن تنظیم کننده، موسیقی را تنظیم می‌کند و در نهایت آواز خواننده روی آن می‌نشیند. پس اینها به هم مرتبطند، اما اگر جهت سؤالتان در خصوص تجربه‌های شخصی من باشد، باز هم باید بگویم: بله. ترانه‌ای که می‌نویسم اگر قرار به خواندن خودم باشی سعی دارم حق مطلب را بیان کنم، رابطه کلام را با موسیقی پیدا کنم و در اجرا به مخاطب القا کنم و گاهی به دوستانتان که کارهای بنده را می‌خوانند هم توصیه‌هایی

به نظر من خود افرادی هم که آلبومی روانه بازار می‌کنند عموماً به این نکته آگاه هستند که استقبال، اندک است که این استقبال هم اغلب از سمت دوستان و آشنایان و مخاطبان اندکی است که با هنر و هنرمندان برخورد حرفه‌ای دارند

آموزشی و همچنین مشکلات این حوزه در رشته‌ی هنری‌تان در کرمان برای‌مان بگویید؟ از نظر من فضای آموزشی بسیار مطلوب است اما هرگز نمی‌تواند این واقعیت را تغییر دهد که موزیسین‌ها در شهر خودشان از همه



مصطفی سلطان، خواننده و ترانه‌سرا

جای دنیا بیشتر غریبند. کافی است برچسب شهرستانی بودن را به همراه داشته باشیم. این بهترین دلیل برای نداشتن مخاطب مردمی است. اگر از من بپرسید می‌گویم مردم این شهر هنرمندانشان را دوست ندارند و بدتر از آن نیز خود هنرمندان این شهر هم با یکدیگر کمتر مهربانند البته اینکه سبب چیست؟ بماند؟

چرا بماند، از نظر شما سبب چیست؟

سبب رقابت ناسالمی است که بعضاً هنگام برگزاری کنسرت‌ها خودنمایی می‌کند. من هم دیده‌ام تعدادی از دوستانی که در کرمان آلبوم منتشر کرده‌اند، از نبود مخاطب و عدم شیوه‌ی بخش حرفه‌ای، گلهمند هستند؛ نظر شما چیست؟
به نظر من خود افرادی هم که آلبومی روانه بازار می‌کنند عموماً به این نکته آگاه هستند که استقبال اندک است که آن‌هم اغلب از سمت دوستان و آشنایان و مخاطبان اندکی است که با هنر و هنرمندان برخورد حرفه‌ای دارند. قطعاً جماعتی که به راحتی می‌توانند از فضای مجازی آثار دلخواهشان را بدست بیاورند را که دلخواهشان را بدست بیاورند برای گرفتن آن به خود زحمت حرکت و خرید کار را نمی‌دهند به جز عده‌ای اندک.
شما از تعبیر هنرمند شهرستانی بودن به عنوان یک برچسب یاد کردید، حال آنکه در آلبوم «پایتخت عشق» با تنظیم کنندگان کشوری کار کرده‌اید، می‌خواهم بدانم برای هنرمندی مثل شما که دور از تهران سکونت دارد، چنین همکاری چگونه ممکن است؟ ما سعی کردیم در ارائه اثر همه‌ی ارکان حرفه‌ای را به‌کار ببریم که همکاری با شخصیت‌هایی که آثار ماندگاری را در شناسنامه هنریشان داشتند یکی از اساس آن بود.
برای متصل شدن با این عوامل دوست، یاور و استاد منحتی دلزنده فانوس راهمان بود. **چرا در انتشار اولین آلبوم با هنرمندی دیگر به صورت مشترک کار کردید؟** امین امینیان دوست و برادری است که همیشه جای او را در زندگی هر فرد خالی است. او دندانپزشک نخعی‌ای است که اگر این بُعد او را کنار بگذاریم تازه با لایه‌های دیگر او آشنا می‌شویم، با تهیه‌کننده آلبوم پایتخت عشق همسو و همراه شدم و این همدلی از جایی آغاز شد که به نقاط مشترک قفریمان در ساخت آثار بی‌بردی‌م و از نظر مخاطب عالی انجامش دادیم.
یک سوال انتقادی هم داریم: ترانه‌های شما و آقای امینیان در «پایتخت عشق» تقریباً از یک حال و هوا تبعیت می‌کنند و تمایز چندانی با هم ندارند؛ آیا این نظر را قبول دارید؟ البته انتقادات نسبت به سه تراک از کارهای آلبوم به اسم: «کافه ی دنیا»، «آلبوم عکس» و «پریاز» از جهت محتوا درست است اما می‌توانم بگویم روایت‌ها متفاوت و خاص بوده است و معتقدم در خصوص بقیه‌ی کارهای آلبوم این مساله صدق نمی‌کند.

معاون فرهنگی ارشاد استان: **کرمان با ۲۹ شهر در جام کتابخوانی شرکت می‌کند**
گروه فرهنگ و هنر - معاون فرهنگی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان کرمان از حضور ۲۹ شهر و ۲۲ روستای این استان در سومین دوره رقابت‌های جام باشگاه‌های کتابخوانی کودک و نوجوان کشور با ارائه برنامه‌های متنوع خبر داد.
احمد وفاپی به ایرنا گفت: طرح‌های پایتخت کتاب ایران، شاعر و روستاهای دوستدار کتاب، مروجان کتابخوانی و جام باشگاه‌های کتابخوانی کودک و نوجوان سالی است در کشور برگزار می‌شود. وی با اشاره به شیوه‌نامه‌های سومین دوره جام باشگاه‌های کتابخوانی کودک و نوجوان گفت: این شیوه‌نامه‌ها پیش از این منتشر شده و هم‌اکنون در پایگاه اینترنتی شبکه ترویج کتابخوانی ایران به نشانی bookpromotion.ir در دسترس است.
وفاپی ادامه داد: شهرهای کرمان، رفسنجان، بم، بافت، سیرجان، زرنده، بردسیر، راور، رابز، ارزوئیه، فهرج، انار، نرماشیر، رنگان، گلباف، ماهان، راین، بروات، صفیابه، بهرمان، کشکویه، بزنجان، کوهبنان، گیانشهر، هنزا، امین شهر، ریجان شهر، یزدان شهر و خانوک در این رقابت شرکت دارند.
وی ادامه داد: همچنین روستاهای باغ چمک، دهبکری، گوگر، بنگان، خیر، خرمدشت، جور، گلستان، فیض آباد، ده علی، تقی‌آباد، خورد، جرجند، سیه‌بنویه، اسکر، لطف آباد، محمدآباد ساقی، احمد آباد، جرجافک، سرنان، خیرآباد و ده شیخ نیز در جام باشگاه‌های کتابخوانی حضور دارند.
جام باشگاه‌های کتابخوانی عنوان طرح جدیدی برای راه‌اندازی و فعال کردن باشگاه‌های کتابخوانی کودک و نوجوان در سراسر کشور است.
ارائه طرح‌های فرهنگی مختلف مرتبط با حوزه فرهنگ کتابخوانی از مهمترین معیارهای انتخاب باشگاه برتر است.